irannewspaper.ir

شنبه ۳ خرداد ۱۴۰۴ • سال سی‌و یکم • شماره ۸۷۴۷
• اذان ظهر ۱۲/۰۱ • اذان مغرب ۱۹/۳۰ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۰ • اذان صبح فردا ۰۳/۱۱ • طلوع آفتاب فردا ۰۴/۵۳

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **مدیر مسئول:** صادق حسین جابری انصاری

• **سردبیر:** هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
• **رئیس هیأت مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
• **مدیرعامل:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

امام علی(ع):
از نیرنگ بپرهیز که خوی فرومایگان است.

تحف‌العقول، ص ۹۸

دیالوگ‌های بسیار نامناسبی در سینما به کار می‌رود

نقل قول

در گذشته اگر به فیلم‌ها دقت می‌کردید، پیام داشتند، حرفی برای گفتن داشتند و بسیاری از موارد رعایت می‌شد. اما متأسفانه امروز این استانداردها رعایت نمی‌شود. دیالوگ‌های بسیار نامناسبی در سینما به کار می‌رود. الفاظ بد و ناسزا در کمدی‌ها به کار می‌رود و اینها واقعاً کمدی محسوب نمی‌شود. مردم به چنین چیزهایی نمی‌خندند. سازندگان هم توجه نمی‌کنند که این عبارات برای کودکان بدآموزی دارد و به نسل آینده آموزش‌های نادرست می‌دهد. مدیران واقعاً باید روی این موضوع توجه ویژه‌ای داشته باشند.

صحبت‌های تورج نصر
دوبلور و بازیگر با مهر

رونمایی از فیلم افخمی در زادگاه طیب حاج‌رضایی

فیلم «صبح اعدام» بهروز افخمی در حالی از چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت‌ماه در سینماها اکران شده که سازندگان این فیلم یک روز پس از اکران عمومی، آن را در زادگاه طیب حاج‌رضایی رونمایی کردند. «صبح اعدام» داستان اعدام طیب حاج‌رضایی و اسماعیل حاج‌رضایی است که در فاصله چند ساعت تا تیرباران روایت می‌شود. در این برنامه که در روستای ارتش‌آباد از توابع شهرستان آوج استان قزوین برگزار شد، بهروز افخمی، علی شیرمحمدی، ارسطو خوش‌رزم، مسعود شریف و پوریا منجزی حضور داشتند.

جدایی دی‌کاپریو از شزل برای اثبات وفاداری به اسکورسیزی

در حالی که لئوناردو دی‌کاپریو و دیمین شزل در حال آماده شدن برای فیلمبرداری فیلم زندگینامه‌ای درباره ایول کنیول در تابستان امسال بودند، پس از بحث‌های طولانی، دی‌کاپریو تصمیم گرفت از این پروژه کناره‌گیری و در عوض برای فیلم دیگری با اسکورسیزی، دوباره با او همکاری کند. هرچند کاملاً روشن نیست که این پروژه چه خواهد بود، اما تا آنجا که قطعی است، فیلم آینده اسکورسیزی با نام احتمالی «جرم هاوایی» با بازی دواین جانسون قرار است سال آینده فیلمبرداری شود./مهر

شمس لنگرودی به فیلم «چشم‌هایش» پیوست

پروژه سینمایی «چشم‌هایش» به کارگردانی بهمن فرمان‌آرا، وارد مرحله پیش‌تولید شد و شمس لنگرودی به عنوان بازیگر به این اثر پیوست. بهمن فرمان‌آرا پیش تولید این فیلم را با اقتباس از رمان بزرگ علوی در شهرک سینمایی غزالی کلید زد. این فیلم که در مرحله پیش‌تولید قرار دارد و در سالگرد هفتادمین چاپ این اثر مجوز فیلمنامه گرفته است. بهمن فرمان‌آرا و شادمهرراستین به طور مشترک به‌عنوان نویسنده فیلمنامه این اقتباس را گرد هم آورده‌اند.»

یادداشت

محمدحسن خدایی
منتقد تئاتر

نگاهی به تئاتر «تارتُف»

درامی درباره تاریخ معاصر

عکس: رضا جاویدی/تیوال

نمایش «تارتُف» نوشته و کارگردانی مهرداد کورش‌نیا، بازتاب تراژیک و موجزی از مدرنیزاسیون از بالا در دوران پهلوی اول است؛ دوره‌ای که رضا شاه با نیتی آمرانه تلاش کرد تصویر ایران را به اقتضای الگوهای غربی متحول کند. در این اثر تنها با یک ملاقات پنهانی میان کارمند دولت و زنی که ناچار به فداسازی جسمی خویش شده، چرخش تاریخی گسترده‌ای پیش چشم مخاطب باز می‌شود. در بطن روایت، تلاش دولت برای مقابله با حجاب زنان و اجباری‌کردن کلاه‌پهلوی برای مردان، نماد «بحران دستاورد» رضاشاه در مواجهه با مسائل واقعی کشور است؛ گویی او می‌کوشد در دل تغییرات ظاهری، ناکامی‌های سیاسی و اقتصادی را پنهان سازد. پس از سفرهایش به پاکستان و ترکیه و مشاهده تحول‌های ساختاری آن کشورها، تصمیمش برای اصلاح قهرآمیز پوشش عموم مردم را می‌توان ژستی نمادین در راهِ جدایی از سنت‌های دیرپای ایرانی دانست. کورش‌نیا در «تارتُف» کوشیده با تکیه بر اسناد تاریخی، لایه‌های پنهان این سیاست اجباری را به‌تصویر کشد. دو شخصیت محوری نمایش-زن روسپی و مرد کارمند-هر دو بازماندگان قاجارند: اولی، دختر یکی از امرای پیشین و دومی، فرزند پیاده‌نظام همان خاندان. از این منظر، ملاقات آنها استعاره‌ای است از افول ارزش‌های کهن و تولد ارزش‌های نوین، البته در پسِ پرده‌ای از فشار و تبعیض.

فرم اجرایی «تارتُف» را می‌توان نوعی «درام درباره تاریخ» دانست؛ روایتی که بیشتر بر فضاها و موقعیت‌ها تأکید دارد تا گفت‌وگوهای طولانی. لوکاچ در کتاب «رمان تاریخی» بر این نکته تأکید می‌کند که درام تاریخی برخلاف نوولا، نیازمند تنوع صحنه‌ها و موقعیت‌هاست تا جوی کلی از دوره‌ای معین ارائه دهد؛ دغدغه‌ای که کورش‌نیا به آن وفادار مانده است. در شرایط رکود تورمی و محدودیت‌های نمایشی ایران، «تارتُف» با فضاسازی کمینه‌گرایانه‌اش نشان می‌دهد چگونه می‌توان از عینک روایتی محدود و شخصی، به کلیتی تاریخی چشم دوخت. زن و مرد نمایش فرصت می‌یابند از شرایط زیستی‌شان بگویند و تأثیر تحولات اجباری حکومت پهلوی بر زندگی خصوصی و اجتماعی‌شان را بازگو کنند. یکی از محورهای مهم، «منزلت اجتماعی» است: لحظه‌ای که زن روسپی به میهمانی شاه می‌رود و بار دیگر حرمت از دست رفته‌اش را به‌یاد می‌آورد، نشان می‌دهد چگونه تغییرات بنیادین سیاسی می‌تواند سلسله‌مراتب قدرت و منزلت را بازتعریف کند. خواستش برای یک شب زندگی «معشوقانه» به جای دوری از نقش «مشتری»، گواه پایان شیفت قدرت و آغازی نو است. بازی سحر آقاسی در نقش زن روسپی- باگذار از لمپنیسم روزمره به وقار فراموش‌شده- و اجرای مقید منصور صوفی، که شرمساری و بهت‌زدگی مردی متأهل را در مقابل تحمیل نوگرایی نشان می‌دهد، از نقاط قوت نمایش است.

در پایان، «تارتُف» نه‌تنها سفری به زوایای تاریک تاریخ مدرن ایران است، بلکه دعوتی‌ست برای خوانشی انتقادی از آن، ارائه روایت کم‌حجم اما تأثیرگذاری که پس از پرده‌برداری، همچنان در ذهن تماشاگران جاری می‌ماند. مهرداد کورش‌نیا با این گام رو به جلو ثابت می‌کند که روایت تاریخ را می‌توان در قاب محدود اما پرمعنا نیز جای داد.

از «زن و بچه» سعید روستایی در کن رونمایی شد

ستایش منتقدان جهان از بازی شگفت‌انگیز پریناز ایزدیار

گزارش

فرهنگی/ اگر قرار باشد فهرستی از فیلم‌های پرسروصدای سینمای ایران تهیه کنیم بی‌شک همه آثار سعید روستایی در این دسته قرار می‌گیرد؛ فیلمساز جوانی که همانقدر در عرصه کارگردانی جریان‌ساز بوده که در عرصه خبرسازی پیشتاز است. فیلم‌های سعید روستایی اگر تا قبل از «برادران لیلا» به خاطر عناصر فیلمسازی‌اش مورد بحث بود بعد از این فیلم به خاطر مسائل فرامتن در کانون توجه و اخبار قرار گرفته است. حضور «زن و بچه» سعید روستایی در کن هم از همان لحظه اعلام ورودش به بخش رقابتی جشنواره کن ۲۰۲۵ بیش از آنکه با پشتوانه کارنامه کاری‌اش و کنجکاوی‌های برآمده از آن، محور بحث و گفت‌وگوهای رسانه‌ای شود به خاطر مسائل اجتماعی و سیاسی با واکنش‌ها و موضع‌گیری‌های متفاوت مواجه شد.

شکستن حصار انزوای سه ساله سینمای ایران

چه علاقه‌مند به سینمای سعید روستایی باشیم و چه در زمره مخالفان تبدیل شدن او به عنوان یکی از چهره‌های شاخص سینمای اجتماعی باشیم، تأثیر سینمای او در سینمای ایران را نمی‌توان انکار کرد. او پس از اصغر فرهادی، دیگر فیلمساز اجتماعی است که اثرش (متری شیش‌ونیم) در فهرست پرفروش‌های سینمای ایران که عمدتاً در سیطره آثار کمدی است، قرار دارد. همزمان با اعلام نام «زن و بچه» در جمع ۲۲ فیلم رقابت‌کننده در بخش مسابقه اصلی کن هفتادوهشتم، فضای دوقطبی بر سر این فیلم در فضای مجازی شکل گرفت. فعالان فضای مجازی در خارج از ایران حتی تلاش کردند پیام ضدیت خود با حضور نماینده جریان رسمی سینمای ایران را به گوش مقامات جشنواره کن برسانند. کارشناسان سینمایی اما فارغ از قیل و قال‌های سیاسی، دومین حضور سعید روستایی در این فستیوال را برآمده از شایستگی‌های سینمایی این فیلم عنوان کردند؛ شایستگی‌هایی که خود را بر قوانین و قواعد محدودکننده مجامع بین‌المللی تحمیل کرد و پس از سه سال انزوا این حصار را شکست. برخی منتقدان در همان زمان پیش‌بینی کردند که باید منتظر تبعات این حضور در جریان برگزاری جشنواره و نشست‌های خبری این فیلم بود.

ارزشمندترین دارایی فیلم

شامگاه پنجشنبه اول خرداد ماه عوامل «زن و بچه» پا روی فرش قرمز جشنواره کن گذاشتند و از تازه‌ترین فیلم سعید روستایی رونمایی شد. نمایش این فیلم فارغ از هیاهوی پیش‌بینی شده در فضای مجازی، واکنش‌های متفاوتی از سوی منتقدان سینمایی در کن دریافت کرده است. اغلب منتقدان این فیلم را جزو مدعیان جوایز عنوان کردند و برخی آن را در دسته آثار متوسط این رویداد قرار دادند. «درامی درباره خشم و رنج در بازار ازدواج ایران» توصیف گاردین از فیلم روستایی است. این نشریه از پنج ستاره به این فیلم سه و نیم ستاره داده و در بخشی از نقد خود آورده است: «کمی آشفته است، اما به واسطه نمایش سرراست بازیگران پیش می‌رود.» بازی درخشان پریناز ایزدیار از مؤلفه‌های تکرار شونده در تحلیل‌های ستایش‌آمیز این فیلم است. سوفی مانکس کافمن، منتقد نشریه ایندی وایر با تمجید از بازی درخشان پریناز ایزدیار او را یکی از شانس‌های اصلی جایزه بازیگر زن کن دانسته و دد لاین هم نوشته: «بازیگر برجسته فیلم، ایزدیار است که چشمان تیره و درشتش به ارزشمندترین دارایی فیلم بدل شده و تغییرات چالاکانه او شگفت‌آورند.» منتقد «آیان سینما» از تلاش سعید روستایی برای به چالش کشیدن اخلاق در این فیلم نوشته است. «فیلم با انبوهی از لحظات بهت‌آور و ویرانگر فرونشست می‌کند و باعث می‌شود بازیگران درام را با بیان احساس سر پا نگه دارند؛ روش‌هایی که همیشه لطافت ندارند.» این عبارات بخشی از نوشته منتقد «اسکرین» است. منتقد «تایم اوت» اما فیلم سعید روستایی را شایسته امتیاز ۴ ستاره دانسته و معتقد است فیلم موفق می‌شود در به تصویر کشیدن زنی که با رنجی غیرقابل تصور کنار می‌آید، هم به شکل بی‌مانندی پرتنش و هم عمیقاً تکان‌دهنده باشد.

> حضور «زن و بچه» سعید روستایی در کن هم از همان لحظه اعلام ورودش به بخش رقابتی جشنواره کن ۲۰۲۵ بیش از آنکه با پشتوانه کارنامه کاری‌اش و کنجکاوی‌های برآمده از آن محور بحث و گفت‌وگوهای رسانه‌ای شود به خاطر مسائل اجتماعی و سیاسی با واکنش‌ها و موضع‌گیری‌های متفاوت مواجه شد

همزیستی دو جریان از سینمای متفکر ایران

«زن و بچه» در شرایطی در جشنواره کن حضور دارد که یک نماینده از جریان غیررسمی سینمای ایران همچون ادوار گذشته در این رویداد حاضر است. «تصادف ساده» جعفر پناهی این بار نه در غیبت فیلمساز و صندلی خالی همیشگی او، بلکه با حضور اغلب عوامل این فیلم در جشنواره کن به نمایش درآمد و این فیلم هم نقدهای عموماً مثبتی دریافت کرد. در همان دوران اعلام اسامی آثار راه یافته به بخش مسابقه جشنواره کن، گرچه برخی صاحبنظران حوزه سینما، جار و جنجال شکل گرفته در فضای مجازی علیه سعید روستایی را تغییر مسیر توجه‌ها از فیلم‌های خوب جریان رسمی به نفع فیلم‌های زیرزمینی عنوان می‌کردند اما بیانیه کانون کارگردانان حاوی نکاتی تأمل‌برانگیز بود که شاید لازم است با پایان این فستیوال و در آرامش بازخوانی شود. بیانیه با اعتقاد به همزیستی این دو جریان در کنار هم متذکر شده که هر دوی این فیلم‌ها متعلق به «سینمای متفکر ایران» است.

در فرش قرمز کن «گل گلدون من» پخش شد

به افتخار موسیقی ایران

برش

نسیم قاضی‌زاده-منتقد موسیقی/ وقتی فروشنده برای اولین‌بار در کن اکران شد و روی فرش قرمز آن تصنیف «دلشدگان با صدای استاد شجریان» پخش شد، احساس شنیده شدن یک موسیقی ایرانی با آن صلابت، استحکام و ماندگاری فرش قرمز فرهادی را رنگین‌تر کرد؛ این از اولین بارهایی بود که نوای موسیقی باکلام ایرانی در یک ایونت سینمایی تا این اندازه شنیده شد و برای انبوهی از بهترین آرتیست‌های دنیا، تبدیل به سوژه‌ای برای پرسش شد. آنها که موسیقی ملی و سنتی ایران را کمی جدی‌تر دنبال می‌کنند، می‌دانند که تا چه اندازه می‌تواند این موسیقی ورای کلام روی مخاطبش تأثیر بگذارد. در روزهای گذشته در آستانه اولین اکران بین‌المللی «زن و بچه» سعید روستایی بار دیگر این اتفاق باشکوه رقم خورد. این‌بار با یاد و خاطره آهنگساز خوش‌قریحه ایرانی، فریدون شهبازیان که به تازگی سینما و موسیقی ایران او را از دست داد، ترانه ماندگار «گل گلدون من» روی این فرش قرمز پخش شد. این ترانه‌ها بیش از آنکه قطعاتی باشند ایرانی، حالا دیگر بخش مهمی از حافظه شنیداری جمعی ملت ایران هستند که در فضای بین‌المللی نیز شنیده شده و مورد استقبال قرار گرفته‌اند. حسن انتخاب یک قطعه باکلام از موسیقی ایرانی توسط تیم «زن و بچه» و قطعاتی که ماندگاری‌شان را ثابت کرده‌اند، نشان داد که همچنان ظرفیت‌های متعددی برای موسیقی ایرانی وجود دارد که نهفته باقی مانده‌اند. فضاهایی که هنوز توان پرشدن آنها وجود دارد و انبوهی چیزهای دیگر. فضاهای بین‌المللی در مجموع چه برسد به فضاهای سطح اول بین‌المللی، همیشه از بهترین مکان‌ها برای معرفی ظرفیت‌های هنر و فرهنگ یک سرزمین‌اند و جشنواره‌های سینمایی با توجه به حضور تعداد بسیار زیادی از افراد مؤثر در فرهنگ و هنر سرزمین‌های دیگر، می‌توانند از بهترین سکوها برای استفاده از این ظرفیت‌ها باشند. به قول آن دیالوگ معروف درباره الی، دم همه بچه‌های «زن و بچه» گرم.

تأملی بر حراج خرداد ۱۴۰۴ تهران

بازار هنر با رکوردشکنی تازه

یادداشت

حسین نوروزی
خوشنویس و گرافیست

حراج آثار مدرن و معاصر تهران که در خرداد ۱۴۰۴ برگزار شد، بار دیگر توجه علاقه‌مندان، مجموعه‌داران و فعالان حوزه هنرهای تجسمی را به خود جلب کرد. این رویداد طی بیش از یک دهه اخیر، به مهم‌ترین رخداد فروش آثار هنری در ایران بدل شده و اکنون، علاوه بر نقش اقتصادی، به‌عنوان شاخصی برای سنجش جریان‌های غالب در هنر معاصر کشور نیز مطرح است. این دوره از حراج در شرایطی برگزار شد که اقتصاد هنر ایران با تحولات شتابان و پیچیده‌ای روبه‌روست. گسترش فروش آنلاین آثار، ظهور پلتفرم‌های تازه، نمایشگاه‌های خانگی و تلاش هنرمندان جوان برای تثبیت موقعیت خود در بازار، از جمله تغییراتی‌ست که ساختار سنتی فروش آثار هنری را دستخوش بازنگری کرده‌اند. در چنین وضعیتی، حراج تهران همچون آیینه‌ای عمل می‌کند که چشم‌انداز کلی بازار را در سطحی نمادین بازتاب می‌دهد.

رویکرد ترکیبی و سنجیده

از ویژگی‌های برجسته حراج ۱۴۰۴ می‌توان به رویکردی متوازن در گزینش آثار اشاره کرد؛ ترکیبی از حضور هنرمندان پیشکسوت و آثار نسل‌های تازه‌تر. در میان بیش از صد اثر ارائه شده، آثاری از هنرمندان جوان نیز دیده می‌شد که در سال‌های اخیر در فضای گالری‌ها یا پلتفرم‌های دیجیتال مطرح شده‌اند. هرچند شمار این آثار در مقایسه با کلیت حراج اندک بود، اما همین حضور محدود نیز حاکی از تمایل تدریجی برگزارکنندگان به باز کردن درهای حراج به روی نسل‌های جدید است. با وجود این، ترکیب سنی و سبکی آثار هنوز چنان است که وزن اصلی و اعتبار حراج بر دوش هنرمندان تثبیت شده قرار دارد. چهره‌هایی که دهه‌هاست در عرصه هنر ایران فعال‌اند، همچنان نقش ستون‌های بازار را ایفا می‌کنند. آثار آنان نه‌تنها از بالاترین قیمت برخوردار بودند، بلکه فضای عمومی حراج نیز حول آنها شکل گرفته بود. به‌عبارت دیگر، بازار هنوز به‌دنبال اطمینان و اعتبار است و این دو عامل را در نام‌های آشنا و سبک‌های تثبیت‌شده جست‌وجو می‌کند.

اقتصاد نمادین، فراتر از چکش‌ها

گرچه نگاه عمومی به حراج معمولاً از زاویه قیمت آثار و چکش نهایی است، اما واقعیت آن است که اقتصاد هنر تنها در نمودهای مالی خلاصه نمی‌شود. حراج تهران در واقع فضایی‌ست برای بازتولید سلسله‌مراتب نمادین؛ جایی که گزینش آثار، چینش بصری، جایگاه هنرمندان و حتی نحوه معرفی آنان در کاتالوگ، پیام‌هایی فراتر از رقم فروش منتقل می‌کند. این پیام‌ها به شکل‌گیری ارزش‌های فرهنگی و هنری در جامعه یاری می‌رسانند. انتخاب سبک‌های انتزاعی یا واقع‌گرا، توجه به آثار کلاسیک در برابر آثار تجربی، یا تمرکز بر تکنیک‌های تثبیت‌شده در برابر شیوه‌های نوظهور، همگی بیانگر تمایلات و ترجیحات بازار رسمی هستند؛ بازاری که همچنان بیشتر با منطق سرمایه و سابقه، تا جسارت و نوجویی اداره می‌شود.

گفتمان میان نسل‌ها

با آنکه آثار هنرمندان جوان سهم محدودی در حراج داشتند، اما همین حضور نیز فرصت ایجاد گفت‌وگویی پنهان میان نسل‌ها را فراهم آورد. در کنار تابلویی متعلق به هنرمندی که بیش از نیم‌قرن در عرصه نقاشی ایران حضور دارد، اثری از جوانی متولد دهه هفتاد نیز دیده می‌شد. این همجواری‌ها، اگرچه نابرابر، اما ظرفیت ایجاد تقابل یا تعامل میان تجربه و نوآوری را در دل خود دارند. چنین گفتمانی در نهایت می‌تواند به همزیستی هنری منجر شود؛ مشروط بر آنکه فضای حراج تنها به بازیگران تثبیت شده محدود نماند و جسارت انتخاب به معیارهای ارزش‌گذار نیز تسری یابد.

نکات اجرایی و چشم‌انداز ساختاری

از نظر اجرایی، حراج خردادماه ۱۴۰۴ منظم، حرفه‌ای و با دقت برگزار شد. نمایش آثار، نورپردازی، اجرای مراسم و طراحی کاتالوگ حاکی از تلاش تیم اجرایی برای ارتقای کیفیت این رویداد بود. همچنین، ثبت و مستندسازی دقیق آثار و اطلاعات فروش، قدمی در جهت تبدیل این حراج به مرجع قابل استناد در اقتصاد هنر ایران است. با این حال، انتقادهایی نیز مطرح بود؛ از جمله غیبت معنادار هنرمندان زن یا کم‌رنگ‌بودن حضور هنرمندان خارج از پایتخت. همچنین شفافیت در فرآیند قیمت‌گذاری، نحوه گزینش آثار و ارتباط میان گالری‌ها و حراج خانه، پرسش‌هایی‌ست که نیازمند پاسخ روشن در دوره‌های آینده است.

حراج تهران، ۱۷۵ میلیارد فروش با رکوردشکنی اثری از زنده‌رودی

بیست و سومین حراج تهران پنجشنبه اول خرداد با حضور جمعی از مجموعه‌داران و خریداران با اجرای شهریار ربانی برگزار شد. در این حراج ۱۰۰ اثر شامل ۸۶ اثر نقاشی و ۱۴ مجسمه، به هنردوستان ارائه شد که در نهایت ۹۷ اثر به فروش رسیدند. بیست و سومین حراج تهران با فروش ۱۷۴ میلیارد و ۹۲۲ میلیون تومان چکش خورد و یک اثر حسین زنده‌رودی با عنوان «اندام» به قیمت ۱۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون رکورد این دوره را از آن خود کرد.